فریب تبلیغات وام فوری را نخورید

گروه حوادث: پلیس با هشدار درباره تبلیغات جعلی «وام فوری» در فضای مجازی، از شهروندان خواست پیش از پرداخت از قانونی بودن این آگهی‌ها اطمینان حاصل کنند.

سرهنگ محمد شریفی، رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فراجا در تشریح هشدار نسبت به افزایش تبلیغات فریبنده در فضای مجازی با عنوان «وام فوری، وام بدون ضامن و وام با اقساط آسان» اظهار کرد: «بررسی پرونده‌های اخیر نشان می‌دهد کلاهبرداران با انتشار آگهی در شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های پیام‌رسان و برخی سایت‌های خرید و فروش، با وعده پرداخت وام فوری، از متقاضیان مبالغی را تحت عناوینی مانند تشکیل پرونده، کارمزد، حق بیمه، ضمانت یا فعال‌سازی پرونده دریافت می‌کنند و پس از واریز وجه، ارتباط خود را با قربانی قطع می‌کنند.» وی افزود: «در مواردی نیز مجرمان با درخواست تصویر کارت ملی، شناسنامه، کارت بانکی یا اطلاعات حساب، زمینه سوءاستفاده‌های بعدی را فراهم می‌کنند؛ بنابراین شهروندان باید از ارسال مدارک هویتی و اطلاعات بانکی برای افراد ناشناس خودداری کنند و به تبلیغات «وام فوری»، «بدون ضامن» و «بدون استعلام» در فضای مجازی اعتماد نکنند.» پیش از پرداخت هرگونه وجه، از قانونی بودن مؤسسه یا شرکت اطمینان حاصل کنید. اطلاعات بانکی، رمزهای پویا و مدارک هویتی خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهید. در صورت مشاهده چنین مواردی، موضوع را از طریق مراجع قانونی و پلیس پیگیری کنید.

زن جوان در دادگاه:

دادگاه خانواده

عکس شوهرم را در گوشی دختران باشگاه دیدم

گروه حوادث: وزش نسیم خنک صبحگاهی در یک روز بهاری در حالی که قطره‌های باران را روی صورت رهگذران می‌نشاند حس سرخوشی و آرامش دلپذیری ایجاد کرده بود. اما انگار این صبح زیبا برای زوج جوانی که در حیاط دادگاه خانواده به انتظار ایستاده بودند حال و هوای دیگری داشت. جوانی بلند قد با کت چرمی قهوه‌ای که عینک آفتابی زده و موهایش را از پشت بسته بود به فاصله چند قدم از یک دختر جوان ایستاده و به او خیره شده بود وقتی دختر به سمت ساختمان دادگاه راه افتاد پسر جوان سیگارش را خاموش کرد و دنبالش دوید.

بعد با صدایی که سعی می‌کرد جلب توجه نکند، گفت: «یلدا جان لطفاً صبر کن فقط چند دقیقه اجازه بده حرف بزنیم اگر قانع نشدی برو دادگاه.»

اما دختر که انگار صدای او را نمی‌شنید وارد ساختمان شد و به طبقه دوم رفت. به محض ورود به یکی از شعبه‌ها مدیر دفتر قاضی با نگاهی به ابلاغیه او با هماهنگی قاضی شعبه این زوج را به داخل اتاق قاضی راهنمایی کرد. قاضی نگاهی به آنها کرد و گفت: «خب تعریف کنید چرا می‌خواهید طلاق بگیرید؟»

یلدا از جای خود بلند شد اما قاضی گفت: «دختر بنشین و با آرامش ماجرا را تعریف کن.»

او هم روی صندلی نشست و گفت: «حدود یک سال قبل با این آقا آشنا شدم. با پدرم به نمایشگاه خودروی پدرش رفته بودیم تا خودرو بخریم که از همانجا آشنا شدیم و بعد هم ازدواج کردیم. اما چند ماه بعد فهمیدم او با دخترهای دیگری هم ارتباط دارد.»

در همین موقع پسر جوان حرفش را قطع کرد و گفت: «جناب قاضی این درست نیست من بعد از ازدواجم با هیچ زن و دختری ارتباط نداشتم این موضوعی که همسرم می‌گوید مربوط به قبل از ازدواج ما بوده است. منتها ایشان می‌گوید چرا به من نگفتی؟ خب من چرا باید روابط قبل از ازدواجم را برای او تعریف می‌کردم؟»

یلدا گفت: «نخیر جناب قاضی اینها مربوط به قبل از ازدواج نیست بلکه مربوط به بعد از ازدواج ماست. خودم پیام‌هایشان را در گوشی‌اش دیدم؛ کادوهایی که گرفته و بوی عطر زنانه که مدام از لباسش می‌آید. کدام زنی حاضر است با مردی زندگی کند که تا دیروقت با دخترها چت می‌کند و بساط عشق و عاشقی با آنها دارد. چرا برای گوشی‌اش رمز می‌گذارد و می‌گوید گوشی شخصی است من چطور با او زندگی کنم چطور اعتماد کنم من دیگر اعتمادی به او ندارم. من فقط طلاق می‌خواهم و هیچ حرفی دیگری ندارم.»

میلاد از جایش بلند شد و گفت: «آقای قاضی من همسرم را دوست دارم و به او خیانت نکرده‌ام. او دختر تحصیلکرده و زیبا و خانواده‌داری است و من نمی‌خواهم او را از دست بدهم.»

قاضی پس از شنیدن این حرف‌ها گفت دخترم از کجا مطمئنی شوهرت به شما خیانت کرده است؟

یلدا که صدایش گرفته بود کمی آب خورد و با بغض گفت: «میلاد هر روز با یکی از خودروهای نمایشگاه اتومبیل پدرش دور دور می‌رود و دخترها را سوار خودرو می‌کند. از همه بدتر اینکه من مدتی است که به یک باشگاه ورزشی می‌روم آنجا به طور اتفاقی عکس همسرم را در گوشی دو تا از دخترهایی که هم باشگاهیم هستند دیدم وقتی پرسیدم این پسره کیست به من گفتند قبلاً با او مدتی دوست بوده‌اند و خاطراتی از او تعریف کردند که تا مدتها حالم بد بود.»

یلدا ادامه داد: «یک روز میلاد به من زنگ زد و گفت می‌خواهد با دوستش به مسافرت برود چند ساعت بعد که به او تلفن زدم انگار متوجه نبود تلفن وصل شده؛ صدای یک زن را شنیدم که با هم می‌گفتند و می‌خندیدند و حرف‌های خصوصی می‌زدند آنقدر حالم بد شد که از هوش رفتم. وقتی به او گفتم، منکر شد و گفت صدای همسر دوستش بوده که داخل ماشین بوده است. گفتم اگر راست می‌گویی مرا با دوستت و همسرش روبه‌رو کن اما طفره رفت. او غیر از خیانت دروغگو هم هست و دیگر نمی‌توانم تحملش کنم.»

میلاد که انگار عصبی شده بود گفت: «او دچار سوء ظن است و با لجبازی‌های کودکانه زندگی ما را خراب کرده است. من هم دیگر نمی‌توانم با او زندگی کنم.»

قاضی که شاهد این صحنه بود با تذکر به مرد جوان گفت: «فعلاً ۲ ماه به کلاس‌های مشاوره بروید اگر مشکلتان حل نشد بعد درباره پرونده شما تصمیم می‌گیرم.»

نگاه کارشناس

امیرحسین صفدری وکیل دادگستری

متأسفانه این روزها اکثر جوانان بنا به دلایل مختلفی ملاک و معیار خود را برای ازدواج بیشتر بر مبنای پول و زیبایی گذاشته‌اند و به ظواهر بیشتر توجه می‌کنند که این اشتباه است.

نبود شناخت کافی، انتخاب هیجانی و از روی ظاهر، دروغ و صداقت نداشتن، خیانت و روابط آزاد، طلاق عاطفی، بی‌مسئولیتی و... علت اصلی ایجاد این مشکلات و بحران‌ها بین یلدا و میلاد است.

تغییر چهره سارقی که فکرمی کرد قاتل است

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ دزد حرفه‌ای که تصور می‌کرد در جریان سرقت مرتکب جنایت شده است، میلیون‌ها تومان خرج عمل جراحی کرد تا تغییر چهره دهد و شناسایی نشود.

به گزارش «ایران»، اوایل تیر سال گذشته دو مرد در یکی از خیابان‌های شمال تهران درگیر شدند. یکی از آنها مرد موتورسواری بود که با مردی میانسال و ورزشکار درگیر شده و با چاقو ضربه‌ای به قفسه سینه وی زد و متواری شد.

بازگشت از مرگ

مرد میانسال با کمک رهگذران به بیمارستان منتقل شد و با اینکه در یک قدمی مرگ بود اما با کمک کادر درمان از مرگ نجات یافت. وی در تحقیقات گفت: «در خیابان مشغول صحبت با تلفن همراهم بودم که مرد موتورسواری به سمتم آمد تا گوشی تلفن همراهم را سرقت کند. چون ورزشکار هستم با او درگیر شده و مقاومت کردم اما او با چاقو مرا زد. در حین درگیری با سارق موتورسوار، موفق شدم ماسکی را که به صورت داشت بردارم و چهره‌اش را تا حدودی به یاد دارم.»

با کمک مرد ورزشکار و شاهدان ماجرا و دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه، تصویر متهم به دست آمد و زمانی که با تصاویر آلبوم متهمان سابقه‌دار اداره آگاهی تطبیق داده شد، مشخص شد او مهدی معروف به تکرو است و سوابق متعددی از سرقت در پرونده خود دارد.

دستگیری سر بزنگاه

با گذشت یک سال از این ماجرا مأموران پلیس هنگام گشت متوجه مرد جوانی شدند که با فریاد از آنها می‌خواست سارق گوشی قاپ را دستگیر کنند. بدین ترتیب تعقیب و گریز آغاز شد و متهم تکرو دستگیر شد. سارق خودش را شایان معرفی کرد و مدعی شد به‌تازگی دست به سرقت زده است. اما زمانی که از او انگشت‌نگاری شد هویت واقعی وی شناسایی و مشخص شد او همان مهدی تکرو سارق سابقه‌دار است که پلیس یک سال قبل به خاطر پرونده مرد ورزشکار در تعقیب او بوده است. مهدی که دستش رو شده بود به ناچار به گوشی قاپی‌های سریالی‌اش اعتراف کرد و گفت: «بعد از آن سرقت فکر می‌کردم مالباخته را کشته‌ام و قاتلم، بنابراین از ترس خودم را به تیغ جراحی سپردم و با چند عمل تغییر قیافه دادم تا شناسایی نشوم.» وی ادامه داد: «با اینکه بازداشت شده‌ام اما خیلی خوشحالم. در این یک سال روزهای سختی را گذراندم و عذاب وجدان داشتم اما حالا خیالم راحت شد که قاتل نیستم.»

صحنه سازی مرد سرایدار در قتل همسر

گروه حوادث/ صحنه‌سازی مرد سرایدار بعد از قتل همسرش برای گمراه کردن تیم جنایی بی‌نتیجه ماند و بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲ ظهر شنبه ۶ تیر، مرد جوانی در تماس با اورژانس از مرگ همسرش خبر داد. وقتی امدادگران راهی محل حادثه شدند که اتاق سرایداری در منطقه اندرزگو بود؛ شوهر این زن گفت: «ساعتی قبل میهمان داشتیم وقتی میهمان‌ها رفتند من هم برای انجام کاری از خانه خارج شدم. زمانی که به خانه برگشتم با جسد همسرم مواجه شدم تصور می‌کنم که سکته کرده باشد.»

با توجه به مشکوک بودن ماجرا موضوع به پلیس اعلام شد اما وقتی مأموران پلیس راهی محل شدند با دیدن آثار کبودی روی گردن و سر زن جوان فرضیه قتل مطرح شد. از آنجا که شوهر او اصرار داشت همسرش سکته کرده است ماجرا به نظر عجیب می‌آمد بنابراین به دستور بازپرس جنایی وی بازداشت شد. بررسی متخصصان پزشکی قانونی نیز نشان داد که زن جوان بر اثر خفگی جانش را از دست داده است.

با برملا شدن این موضوع بار دیگر تحقیقات از شوهرش صورت گرفت و او که در برابر مدارک پلیسی قرار گرفته بود به قتل اعتراف کرد و گفت: «سرایدار ساختمان هستم و درآمدم زیاد نیست با داشتن همسر و دو فرزند زندگی سختی داشتیم و همسرم هم اصلاً مرا درک نمی‌کرد و خیلی پرتوقع بود از من انتظار داشت پول زیادی خرج کنم. همین مسأله باعث اختلاف ما شده بود روز حادثه هم به محض رفتن میهمان‌های‌مان، دوباره دعوای‌مان شد. من با مشت به سر او ضربه زدم و بعد هم دستم را روی گلو و دهانش گذاشتم به خودم که آمدم متوجه شدم دیگر نفس نمی‌کشد.»

با اعتراف متهم، به دستور بازپرس جنایی، او در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات دراین خصوص ادامه دارد.

فندک متهم در محل جنایت جا ماند

گروه حوادث/ مرد معتادی که ۳ ماه پس از مرگ آتشین یک معتاد در اتاقک متروکه دستگیر شده در حالی منکر جنایت است که فندک او در محل آتش‌سوزی جامانده بود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۷ صبح ۱۲ فروردین خبر آتش‌سوزی یک اتاقک متروکه پاتوق معتادان در شرق تهران به آتش‌نشانی اعلام شد. بدین ترتیب وقتی امدادگران به محل رسیدند پس از خاموش کردن آتش با جسد سوخته مردی جوان روبه‌رو شدند.

بررسی‌های آتش‌نشانان حکایت از آن داشت که حریق عمدی بوده است. بنابراین موضوع به پلیس اعلام شد.

در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد جسد متعلق به مردی به نام میلاد بوده که اعتیاد به مواد مخدر داشته و برای مصرف مواد به آنجا می‌رفته و با یکی از معتادان به نام بهنام اختلاف داشته است. در تحقیقات از شاهدان حادثه نیز مشخص شد بهنام همزمان با آتش گرفتن اتاقک با عجله آنجا را ترک کرده است.

در بازرسی از محل نیز فندکی به دست آمد که دوستان بهنام مدعی بودند فندک به او تعلق دارد. با کنار هم قرار دادن مدارک، بهنام به عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب قرار گرفت و پس از گذشت حدود ۳ ماه از آتش‌سوزی چند روز قبل بهنام دستگیر شد. اما او در بازجویی‌ها با انکار دخالت در حادثه مدعی شد زمانی که آنجا را ترک کرده مقتول در حال مصرف مواد بوده و او در آتش‌سوزی نقشی نداشته است.

به دستور بازپرس محمد جواد شفیعی، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۵۹

جدول عادی

افقی

۱- شایستگی داشتن - له‌گن آشپزخانه
۲- بیمار - حیوانی اهلی - همانند
۳- حرف سی‌ام الفبا - بلادن - سلطان فصل‌ها
۴- ساک خرید - حرف نفی - زهرآلود - مچاله شده
۵- مخفف گاه - ساختمان فلزی - ناخوشایندی و زشتی
۶- نشان پای آدمی - نوسان‌های فرعی صوت - بی‌بیمی
۷- یار «اسطرلاب» - آدم آهنی - آخرین ماه سال
۸- ساز جاری - مددکار و کمک کننده - زمان آینده
۹- کاروان - پادشاهی، اقلیم - آماس
۱۰- با دریا جیحون شود! - صفحات داخلی روزنامه - گازی بی‌رنگ و بی‌بو
۱۱- همنشین زن - مرغ افسانه‌ای - دشمن زائو!
۱۲- طول بدن - بی‌سواد - جسر - شهر «رومئو و ژولیت»
۱۳- .... بر جوانان عیب نیست! - ورودی بزرگ - پاداش است و در دل ساختمان جا می‌گیرد
۱۴- به مقصد وارد شدن - پاسخ‌نامه - خطاب بی‌ادبانه
۱۵- فرمانده کشتی - خوشگل و خوبرو

عمودی

۱- معلم - ماشین قراضه
۲- سرشماری - آئین و بینش فردی - از نام‌های خانم‌ها
۳- ظرف بسته‌بندی نرم - روکش نایلونی - بست نواری لبا س
۴- تحریک کردن - سهولت - سرای مهر و کین - گلی خو شبو
۵- پوشاک پاها - غذایی لذیذ - الفبای گوش‌نواز
۶- مگر - لغت‌شناس - تخلص مهدی اخوان ثالث
۷- ماما - یار «زولبیا» - اجزاء، اساس
۸- بمب مخفی - گلزن تیم ملی - وجه رایج
۹- حالتی از ماده - تفتیش و ممیزی - نشانه‌ها
۱۰- بیمارستان تهران - فرمان کشتی - دفع کننده
۱۱- حس پلیسی! - نظیر - نام دو استخوان بالای سینه
۱۲- شبیه‌سازی - پسوند شباهت - ایستگاه راه‌آهن - برگ برنده
۱۳- ساقه خشک غلات - از نان‌ها - پوچ
۱۴- مایه عذاب - تابناک و منور - پایان کار
۱۵- برخوردار و کامیاب - مرض تب نوبه

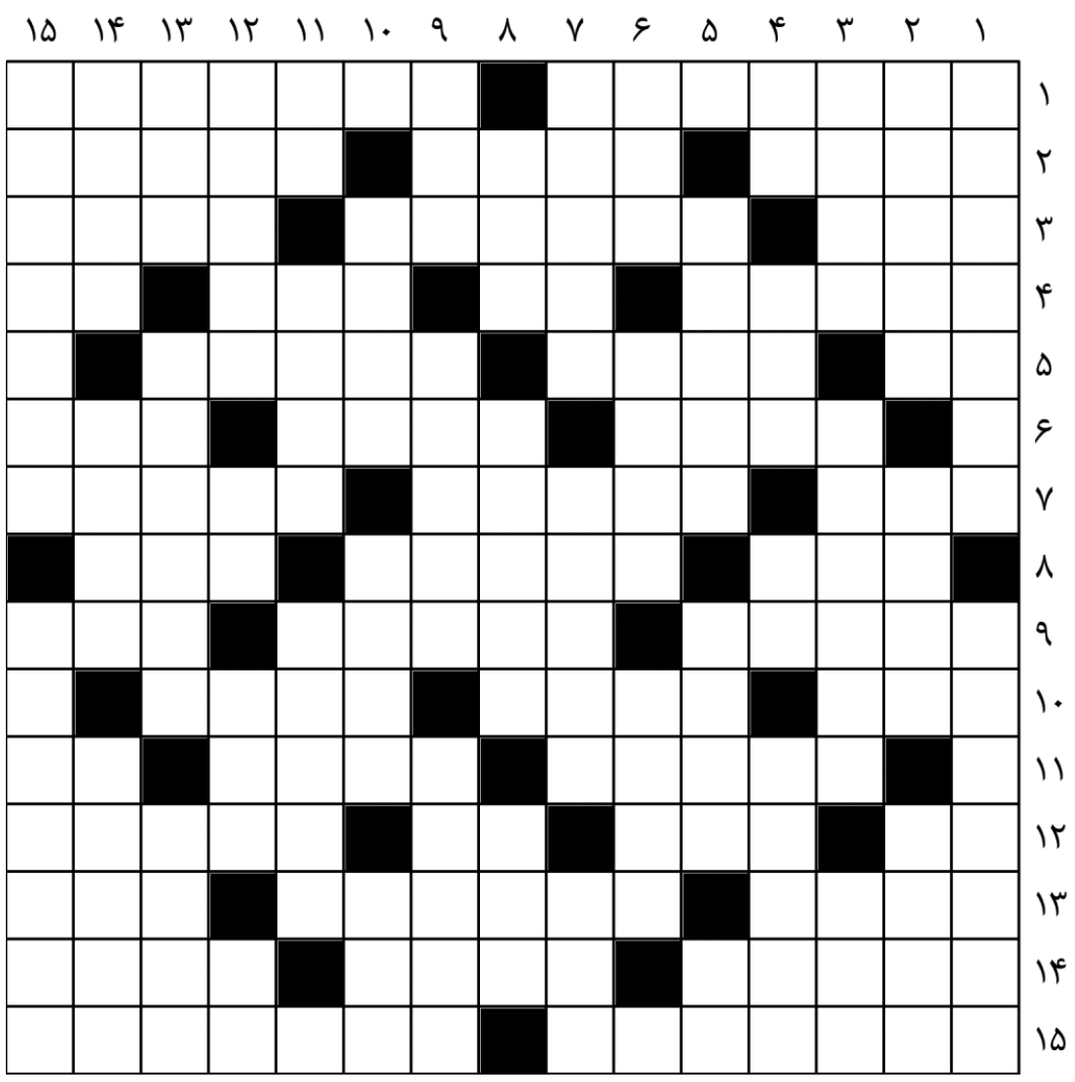

جدول ویژه

افقی

۱- حرکتی در ژیمناستیک و بدن‌سازی - سنگی قیمتی
۲- اشعه مجهول - چندبارگی - قابل خواندن
۳- کله و سر - بلندی - فرزند سلطان ملکشاه
۴- موذی‌ترین بیماری قرن - نه عامی - پشت گردن - گذرگاه خون
۵- جبه - باقیمانده - خبرگزاری کشورمان
۶- فلج ناشی از بیماری پارکینسون - خورشت چرب - اندیشه و سگال
۷- رد کردن - اخبار موبایلی - یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و جهان
۸- فیلم محسن تنابنده - هیدرومتر - دستور سکوت
۹- سنگینی قیمت‌ها - محله‌ای در مشهد - نام اصلی مجنون
۱۰- خوردنی با بعضی غذاها - امر از زدودن - دستینه
۱۱- علائم بیماری - درخشان - واحد سطح
۱۲- تب لازم - نوعی پارچه - فیلم «اندی موسکیتی» - بیماری غرب آفریقا
۱۳- سازمان بهره‌وری انرژی ایران - در طب بکار رود - رود روسی
۱۴- مبارزه کاری! - تقلا، سعی - گدایی
۱۵- سرچشمه، منشأ - وسیله سنجش سرعت

عمودی

۱- دیوار متحرک - اثر دیدنی مراغه
۲- فرمانروایی، سروری - تهیدستان - شیرینی یا خوردنی اطفال
۳- باخت - دانشنامه - آوای بم
۴- کاهن - بستن - ضمیر خودخواه - پاک‌نژاد بودن
۵- ایست و توقف - کیک معروف! - دویدن
۶- سایبان کوچک دسته‌دار - فراهم - پرنده کلنگ
۷- به‌تنهایی - از انگشتان - درختچه پُرشاخه کوتاه
۸- برطرف کردن - شهری دیدنی در استان فارس - آرزو
۹- واژه پرسش - دستگاهی برای ورود عکس یا متن به رایانه - انبرک
۱۰- نازا - برنا - ظرفی گود و بزرگ ویژه رخت‌شویی
۱۱- درون جمجمه - رفتگر - چوپان
۱۲- شهر پُرجمعیت «کره جنوبی» - صدای تمسخر - سکه زدن - شهر «مصر» قدیم
۱۳- پسوند محافظت - فیلم هومن سیدی - جلا دهنده کفش
۱۴- کماندو - پدربزرگ بخاری - ناپاک کردن
۱۵- اصطلاحی در فوتبال - غذای گیلانی

حل جدول عادی شماره ۹۰۵۸

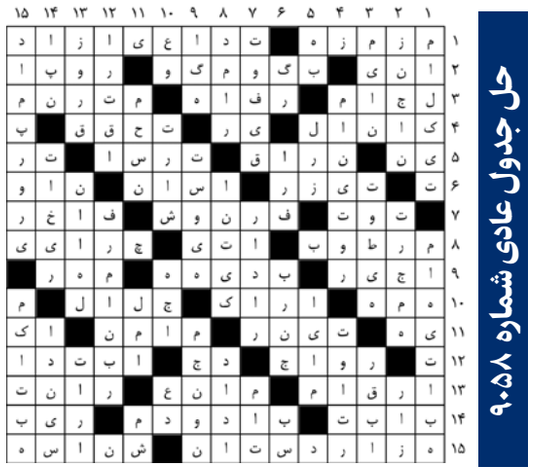
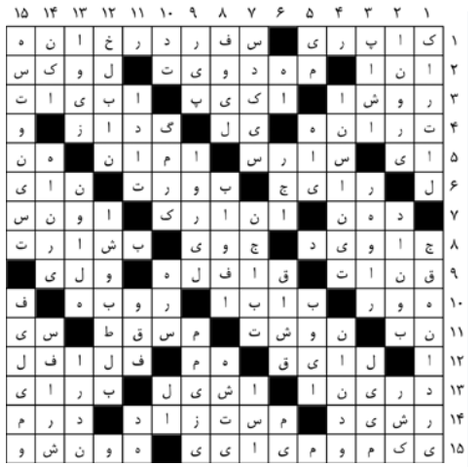
حل جدول ویژه شماره ۹۰۵۸